

«اعتماد» طرح اشتغال سازمان برنامه و بودجه را بررسی کرد

ظهور «بنگاه‌های زودبازده» در دولت روحانی؟

۱۰

انجمن جامعه‌شناسی ایران ابعاد خودکشی دودختر اصفهانی را بررسی کرد

نمایش مرگ در مقابل دیدگان جامعه

۱۳

<div><div>نگاه</div></div>
نوری در تاریکی
عالیجناب‌علی‌رفیعی! بالا بلندی که در جلوخان ایوان تئاتر ایران زمین حضوری همیشگی و ماندگار دارد
روایتیموریان
انسان، استادی بی‌بدیل، از نسلی که تکرار شدنی نیست، او نگار گرنگ‌ها و شوها و مرثیه‌ها، در کستر شبانه‌نقش‌ها و نورهاست، عالیجناب‌علی‌رفیعی، فانوسی ست که گرما می‌بخشد، نور و روشنا را می‌تاباند به تاریکی می‌تاباند به تاریکی عالیجناب‌علی‌رفیعی، فانوسی ست که گرما می‌بخشد و نور و روشنا می‌تاباند به تاریکخانه‌های دروغ و تزویر و توطئه… عالیجناب زادروزتان مبارک باد
بازیگر



به بهانه زادروز علی رفیعی، نویسنده و کارگردان، در آستانه ۸۰سالگی

سروبی تکرار

امیر جدیدی /اعتماد

پاسخ این است که با توجه به فقدان امکانات، تنها موفق به خلق یک‌چهارم آثاری شده‌ام که توان تولیدش را داشتیم. این موارد به طور کل از زندگی هنری‌ام منها بوده است.» غم‌انگیز نیست؟

گذشته از تمام ویژگی‌های بارز آثار نمایشی علی رفیعی که در آرای هنرمندان می‌خوانید، طرح «پرسش» یک شاخصه غیرقابل انکار آثار این کارگردان است. اصولاً نفس حضور بعضی همچون علی رفیعی با پرسش و پرسشگری پیوند دارد و همین نکته به وقت مقایسه او را در مرتب‌های متفاوت می‌نشانند. بنابراین اجازه می‌خواهم چند جمله باقی‌مانده رانه پایان واژگان بی‌اثر و کم‌ارزش احساسی برای تولد، که با طرح دو پرسش به بهانه این‌ زادروز خجسته پایان دهم. «این چه سرزمینی است که امکان

سفرلیس، سرزمین خواجگان و کاسه‌لیسان. تو فریب این سرزمین باش…» با تمام تعاریف موجود، تاسف آور است که چنین هنرمندی برای ظهور و بروز خلافتیش روی صحنه هر بار با ده‌ها مانع مواجه می‌شود. او در گفت‌وگو با سالنامه روزنامه اعتماد می‌گوید: «ولین نشانه‌های احترام به هنرمند در یک جامعه فراهم آوردن امکانات و شرایط تولید آثار هنری‌اش است، در هر رشته و زمینه‌ای که باشد. وقتی برای من بزرگداشت برپا می‌شود و انواع و اقسام مقدمات را فراهم می‌آورند، دلم می‌خواهد بیرسم در تمام سال‌هایی که کار هنری‌ام را در کشور آغاز کرده‌ام کدام امکانات تولید و تهیه آثار در اختیارم گذاشته شده؟ آیا نسبت به امکانات، انرژی و عشقی که به این حرفه ورزیده‌ام، تعداد آن‌ها نمایشی‌کمی می‌توانستم را خلق کردم؟

نظر هنرمند

چرا باید برای خلق نمایش «شازده احتجاب» به دادگاه می‌رفتم؟ دادگاهی که حکمش دوسال زندان بود و بعد وقتی وکیل گرفتم به دوسال حبس تعلیقی و حدود ۲ میلیون تومان جریمه مالی تبدیل شد. نکته اینجاست که شاکلی یک تئاتری بود، چون امکان نداشت یک غیر تئاتری یا ناآگاه نسبت به کارگردانی چنین شکواییه‌ای تنظیم کرده باشد.



پیوندی که بی‌واسطه از وقایع روز جامعه و دغدغه‌های مردم سر درمی‌آورد. به این نمونه که پاییز ۹۴ در نمایش «خاطرات و کاپوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» روی صحنه تالار وحدت جاری شد دقت کنید. «چرا ندانستی، که در سرزمین رنج و اشک، مردمان معصومیت را بر دار می‌کنند برای تک‌های نان؟؟» و آیا این نهیب وقایعی نیست که همین یکی دو هفته قبل در مملکت رخ داد؟ یا در نمونه‌های دیگر به شعر غلطان در مونولوگ توجه کنید: «کجایی تو که این سرزمین این همه زشت است و پر فریب؟… دروغ را و سمه کن، فریب را بزک کن، شاه‌باران می‌خواهد، برف می‌خواهد، دروغ می‌خواهد… تو خواجه باش، کنیز باش، تیان شاه باش. این سرزمین، سرزمین شلیته است و

بابک احمدی
نوشتن درباره شخصیتی که بیش از نیم قرن دل و جان در گرو فرهنگ و هنر این سرزمین بسته است، در قالب جمله و یادداشت نمی‌گنجد، چه پرسه بده به این چند کلمه که در ادامه‌می‌خوانید. حضور علی رفیعی در تئاتر ایران غنیمتی انکارناپذیر است. غنیمتی همچون گنجینه‌های تاریخی اصفهان؛ سرزمین مادری‌اش که آن‌دره مالرو را مهیوت خود کرد. زمستان سال گذشته زمانی که برای گفت‌وگو به خانه‌اش رفتم، تازه با گرمای آتش عشقی آشنا شدم که هنگام صحبت از تئاتر از عمق جانش شعله می‌کشید. آن زمان نوشتم «وقتی از ایبسن، لورکا و شکسپیر صحبت می‌کنی بی‌آنکه متوجه باشی، آشفته می‌شوی، دست‌هایش مانند رهبر از کستر به حرکت درمی‌آیند، عرق بر پیشانی‌اش می‌نشیند و اشک در چشمانش حلقه می‌زند. اینجا شور و اشتیاق همان جوان مغرور و خوش‌سیمای دهه ۴۰ را می‌بینید که چند دهه قبل بار سفر تحصیلی به فرانسه‌بست.»

علی رفیعی در تمام سال‌های بعد از بازگشت به ایران منشأ اثر شده، نه فقط به واسطه خلق آثار نمایشی ماندگار مثل «شازده احتجاب»، «شکار روباه»، «یادگار سال‌های شن» و «عروسی خون» یا تریب‌هنر جویانی که هر یک به ستون‌های بازیگری تئاتر، سینما و تلویزیون بدل شدند، بلکه به واسطه نقش و تاثیرش در دوران ریاست دانشکده هنرهای دراماتیک و مجموعه تئاتر شهر. حتی تمرین گروه‌های تئاتری در طبقه هفتم ساختمان بنیاد رودکی هم مدیون تدبیر این هنرمند است. تار و پود وجودی علی رفیعی چنان با تئاتر، موسیقی، شعر و هنرهای تجسمی پیوند خورده که هم‌کلامی با او از لحظه‌های بغض و لبخند و غم و شادی سرشار می‌شود.

یادداشت – ۳



حسین پاکدل

اما دیگر با چیزی که امروز هستیم، مواجه نبودیم. تئاتر ایران اگر علی رفیعی در تالار وحدت به نکت‌های اشاره کردم و گفتم ادبیات و موسیقی ما می‌توانست بزرگانی مثل حافظ و سعدی یا محمدرضا شجریان و محمدرضا لطفی نداشته باشد، به این ترتیب جریان هنر در ایران به کار خودش ادامه می‌داد. زمانه‌ای زیست می‌کنیم که بیش از هر چیز به زیبایی نیازمندیم. این حرکت به سوی زیبایی فقط یک چیز تجملی نیست، بلکه همه چیز باید زیبا باشد. از تفکر گرفته تا خیابان‌بندی‌ها و پوشش مردم… و یعنی بر مدار فطرت انسان و آنچه خداوند باری تعالی آفریده است؛ چنانچه می‌فرماید: «الل‌ه جمیل یحب الجمال». خداوند جهان را زیبا آفریده و ما هستیم که آن را زشت می‌کنیم

پنجشنبه ۲۱ دی ۱۳۹۶، ربیع الثانی ۱۴۳۹، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۳۹۹۹

اصطخ

یادداشت – ۱

علیه صحنه‌های شلخته بی‌دقت

علی رفیعی از معدود کارگردانان نسل خودش است که دانش آکادمیک را به بهترین شکل فرا گرفته و دریافت‌هایش را در تمام این سال‌ها به بهترین شکل روی صحنه به نمایش گذاشته

قطب‌الدین صادقی

است. او برپایه همین آگاهی و شناخت، متونی را که شایستگی مطرح شدن در تئاتر ایران را داشته پیش روی همگان قرار داده است. آثار علی رفیعی برخوردار از زیبایی‌شناسی روز دنیا است و تا آنجا که می‌دانم قدرت یک سنوگرافی شایسته را دارد. متن‌های شسته‌رفته، طراحی صحنه دقیق، طراحی لباس، بازی‌ها، کارگردانی تصویری در مجموع از او یک کارگردان بسیار شاخص می‌سازد. به ویژه در میان کارگردانان بعد از انقلاب، گرچه قبل از انقلاب هم آثاری را روی صحنه برده بود ولی حافظه این نسل به یاد نمی‌آورد.

من تئاتر ایمن هنرمند را در مقابل نمایش‌های شلخته و بزب رویی می‌دانم که این روزها روی صحنه می‌روند. دقت و ظرافتش در ارزش‌های گرافیکی صحنه، انتخاب رنگ‌ها و جوه دیداری آثارش بسیار پررنگ و اساسی‌تر از چیزی است که به طور رایج اتفاق می‌افتد. ای‌کاش بطور مستمر امکان انتقال دانش و تجربه در اختیارش گذاشته می‌شد، البته در دوره‌هایی کارگاه‌هایی برگزار و هنرجویانی هم تربیت کرده است اما بدخواهان و حسودان همواره کاری کردند که نتواند آن‌طور که علاقه دارد به فعالیت ادامه دهد. فراموش نکنیم در جریان ماده‌سازی و اجرای نمایش «برما» چه اتفاقی رخ داد و چه سنگنهایی پیش پایش گذاشتند؛ سنگ‌هایی که کم‌از توفیق یک اثر نداشت.

علی رفیعی انسانی اهل فضل و خلاقیت است. دانش نظری دارد و ترکیب اینها موجب خلق آثار ارزنده می‌شود. امیدوارم به عنوان یک کارگردان شاخص خلاق هر امکاناتی که نیاز دارد را در اختیارش قرار دهند تا بتواند کارش را روی صحنه به نمایش بگذارد. تولد علی رفیعی بسیار مبارک است و من به نوبه خودم تبریک می‌گویم.

مدرس دانشگاه و کارگردان تئاتر

یادداشت – ۲

صاحب زیبایی شناسی شخصی

هیچگاه موفق نشدم در آثار ایشان بخش کوچکی را برعهده داشته باشم. البته زمانی کار تا ایفای نقش در نمایش «شکار روباه» پیش رفت اما به دلیل سفر کاری به خارج از کشور این افتخار نصیب من نشد. کتر

علی رفیعی از جمله هنرمندانی است که هم‌زمان چند ویژگی دارد. او از یک زیبایی‌شناسی شخصی و مشخصی شده بهره می‌برد که برای تئاتر ایران غنیمت است، چون گاهی با هنرمندان پایه‌سن گذاشته مواجه

می‌شویم که همچنان سرگردان در جست‌وجوی زیبایی‌شناسی مختص خود هستند. اما مقصودم از زیبایی‌شناسی شخصی هم به معنی متوقف ماندن در یک شکل مشخص نیست، بلکه به معنای پروازندن و ارتقای آن در طول زمان است؛ کاری که دکتر رفیعی در تمام سال‌های پشت‌سر موفق به انجام آن را شد. دکتر رفیعی برای من نمونه فردی است که با سواوس عمل می‌کند. این وسواس و حساسیت اثر نگوییم گوهر نیایب، در تئاتر ما قطعاً یک گوهر کمیاب است که بعضاً چه در نسل خودشان یا در نسل ما رنگ باخته است. دکتر رفیعی نمونه فردی است که حتی وقتی به عکس آثار پیش از انقلاب هم نگاه کنید باز به نظر می‌رسد و آنچنانیز متوجه سواوس در تمام شؤون کاری‌اش می‌شویم.

نکته دیگر بازیگری و تأکید بر کیفیت بازیگر در تمام آثار دکتر علی رفیعی است. ایشان از هیچ لحظه، آن و کنش کوچکی بی‌تفاوت عبور نمی‌کند و برایش وقت می‌گذارند و متغایلاً از بازیگر انتظار دارد. این می‌طلبد که بازیگر چقدر تلاش کند تا با زیبایی‌شناسی ایشان هماهنگ شود. به همین دلیل وقتی بازی‌ها را می‌بینیم حتی بازیگران حرفه‌ای و شناخته شده کیفیت به مراتب بهتر از قبل به نمایش می‌گذارند و بازیگران اشاره کنم و متن‌های لورکا، خودش و محمد چرمشیر از روی صحنه برده است. تمام این نمایشنامه‌ها از یک سواوس جدی در انتخاب متن حکایت دارد. تولد دکتر علی رفیعی را تبریک می‌گویم و برای ایشان عزت بیشتر و سربلندی و سلامتی آرزو می‌کنم. به احترام ایشان تمام قد می‌ایستم و ادای احترام می‌کنم. علی رفیعی به این احترام‌ها نیاز ندارد و ما نیازمند حضور سایه ایشان روی سرمان هستیم.

از سوسی دیگر باید به مضامین مطرح در آثار ایشان اشاره کنم و متن‌های لورکا، خودش و محمد چرمشیر از روی صحنه برده است. تمام این نمایشنامه‌ها از یک سواوس جدی در انتخاب متن حکایت دارد. تولد دکتر علی رفیعی را تبریک می‌گویم و برای ایشان عزت بیشتر و سربلندی و سلامتی آرزو می‌کنم. به احترام ایشان تمام قد می‌ایستم و ادای احترام می‌کنم. علی رفیعی به این احترام‌ها نیاز ندارد و ما نیازمند حضور سایه ایشان روی سرمان هستیم.

یادداشت – ۴

بیزار از سکون

دی ماه… بیست و دوم دی ماه، سال ۱۳۱۷… شما به دنیا آمدید تا همین دنیا برای ما شکل دیگری به خود بگیرد قبل از آنکه هیچ یک از ما یا بر آن گذاشته باشیم. در اصفهان بزرگ شدید و رفتید به سفر برای آموختن… برای دیدن. برای شنیدن، شناختن. باز گشتید با کوله بار سنگین تجربه، باز گشتید با هیجان تقسیم آموخته‌های‌تان، ساختید… معمار شدید بر زمین نیمه‌ساز تئاتر این مرز و بوم… ساختید.

سقف از بی ستون… سقف، شما ساختید خسته نشدید… زیبایی را فریاد زدید… صحنه را فریاد زدید… تئاتر را فریاد زدید… این سال‌ها و سالن‌ها گواه آنند که شما چگونه ساختید آنچه را که باید، گواه بودن شما هستند و رنج‌ها و غصه‌های‌تان… لبخند و خنده‌های‌تان… در‌یای آرامش‌تان.

ستون از بی ستون… ستون، هر‌اسی از نیستی به خود راه نمی‌دهند. نخست معلمان سپس هنرمندان. معلمان در شاگردان خود ادامه پیدا می‌کنند و هنرمندان در آثاری که خلق کرده‌اند. حالا در نظر بگیرید یک نفر هم معلم است و هم هنرمند. این چه جادوانگی به همراه دارد. هنرمندانی همچون علی رفیعی سررمایه‌های ملی برای تکثیر زیبایی هستند. اینکه یک جامعه درکی از زیبایی داشته باشد مدیون چنین افرادی است. حسین بن‌اهی می‌گوید: «درک

زیبایی، در کی زیباییست» و به عمل در آوردن این زیبایی کار هر کسی نیست. اگر فردی مثل علی رفیعی در جریان تئاتر ایران نبود، امکان داشت تئاتر ما در حد امروز اثر گذار نباشد. من خودم را مدیونش می‌دانم، حضورش را ارج می‌گذارم و تلاش می‌کنم در آثارم پیرو او باشم.

نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان



ستاره اسکندری

^[1] علی رفیعی از معدود کارگردانان نسل خودش است که دانش آکادمیک را به بهترین شکل فرا گرفته و دریافت‌هایش را در تمام این سال‌ها به بهترین شکل روی صحنه به نمایش گذاشته

^[2] است. او برپایه همین آگاهی و شناخت، متونی را که شایستگی مطرح شدن در تئاتر ایران را داشته پیش روی همگان قرار داده است

^[3] آثار علی رفیعی برخوردار از زیبایی‌شناسی روز دنیا است و تا آنجا که می‌دانم قدرت یک سنوگرافی شایسته را دارد